



بلند بودن هجای پایان مصراع: هجای پایان مصراع همیشه بلند محسوب میشود، حتی

اگر کوتاه یا کشیده باشد.

سرو را مانی ولیکن سرو را رفتار نه ماه را مانی ولیکن ماه را گفتار نیست

کوتاه: نه سر زلف خود اول تو به دستم دادی بازه از پای در انداخته ای یعنی چه

دو حالت

کشیده: هجایی که بتوان از بخش آخر کلمه، همزمان یک هجای بلند و کوتاه استخراج کرد.

چشم آلوده نظر از رخ جانان دور است بر رخ او نظر از آینه پاک انداز

موارد پرکاربرد: هر کلمه و فعلی که آخر آن (ست) بکار رفته. مانند: است، نیست، دوست، دوست، توست، بشکست، مست و...
سایر: داد، ندارند، بُرد و ...

تبصره: کلماتی که به [ون - ان - ين] منتهی می شوند کشیده نیستند «چون - جان - چین»

نکته: هجای پایان نیم مصراع در اوزان دوری نیز همیشه بلند است:

هر غزلم نامه ای ست صورت حالی در او نامه نوشتن چه سود چون نرسد سوی دوست؟

سعدی از عقبی و دنیا روی در دیوار کرد تا تو در دیوار فکرش نقش خود بنگاشتی

کمال سرّ محبت ببین نه نقص گناه که هر که بی هنر افتد نظر به عیب کند

این قصه عجب شنو از بفت واژگون ما را بکشت یار به انفاس عیسوی





*در هجای پایانی دو مصراع کدام بیت از اختیار وزنی پایان مصراع استفاده نشده است؟ (کانون 1400)

- 1) نقش خیال روی تو تا وقت صبحدم / بر کارگاه دیده بی خواب می زدم
- 2) ابروی یار در نظر و خرقه سوخته / جامی به یاد گوشه محراب می زدم
- 3) چشمم به روی ساقی و گوشم به قول چنگ / فالی به چشم و گوش در این باب می زدم
- 4) شور شراب عشق تو آن نفسم رود ز سر / کاین سر پر هوس شود خاک در سرای تو

آوردن فاعلاتن بجای فعلاتن: در رکن اول مصراع اول یا مصراع دوم، یا رکن اول هر دو

مصراع فاعلاتن بجای فعلاتن می آید.

عالم از شور و شر عشق خبر هیچ نداشت فتنه انگیز جهان غمزه بادوی تو بود
زلف پرچین تو مشاطه شبی شانه نکرد که دو صد خون به دل مصرم و بیگانه نکرد

فقط در وزن های زیر رخ می دهد:

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن
فاعلاتن مفاعلاتن فاعلاتن

نکته: متما باید دقت شود که وزن اصلی شعر «فاعلاتن» نباشد.





نمر پن:

در سه سال آنچه بیندو فتم از شاه و وزیر
همه بر بود به یک دم فلک چوکانی
به جهان پشت مبنید و به یک صدمه آه
مهرة پشت جهان یک ز دگر بکشاید
دوست کر با ما بسازد دولتی باشد عظیم
ور نسازد می باید سافتن با فوی دوست

***در همه ابیات به استثنای اختیار آمدن فاعلاتن بجای فعلاتن یافت می شود. (کانون 1400)**

- 1) گوشوار زر و لعل آر چه گران دارد گوش / دور خوبی گذران است نصیحت بشنو
- 2) تو مگر بر لب آبی به هوش بنشینی / ورنه هر فتنه که بینی همه از خودبینی
- 3) من نه آن رندم که ترک شاهد و ساغر کنم / محتسب داند که من این کارها کمتر کنم
- 4) چه کنی گوش که در دهر چو من شیدا نیست / نیست این جز سخن بوالهوس رعنائی

اببدال: در این اختیار دو هجای کوتاه کنارهم به یک هجای بلند تبدیل می شود.

--- ← --- U U

غم را لطف لقب کن ز غم و درد طرب کن
هم از این خوب طلب کن فرج و امن و امان را
عنقا بر کرد سرگفت کنز این طایفه
دست یکی پر عناست بعد یکی پر خضاب

بیشتر در وزن های زیر رخ می دهد:

مستفعل - مفتعلن - فعلن - فعلاتن





دلم ز پرده برون شد کبایی ای مطرب / بنال هان که از این پرده کار ما به نواست
 فیال فال تو با خود به خاک فواهم بدر / که تا ز فال تو خاکم شود عیبر آمیز
 گویی بطّ سفید جامه به صابون زده ست / کبک دری ساق پای در قدرج خون زده ست
 چون سایه دور از روی تو، افتاده ام در کوی تو / پشم امیدم سوی تو وای ای امید باطم
 میف است سشن گفتن با هر کس از آن لب / دشنام به من ده که درودت بفرستم

* در کدام بیت ابدال بکار نرفته است؟

- 1- من ملک بودم و فردوس برین جایم بود / آدم آورد در این دیر خراب آبادم
- 2- گرچه دانم که به جایی نبرد راه غریب / من به بوی سر آن زلف پریشان بروم
- 3- ز روی دوست دل دشمنان چه دریابد / چراغ مرده کجا شمع آفتاب کجا
- 4- هر چند مه ما را از ما خبری نیست / دل برده ای از ما دل ما را اثری نیست

* در کدام بیت اختیار وزنی ابدال بکار رفته است؟ (کانون 98)

- 1) چو دورم از تو رقیبی فرست قاصد من / گناهکار چنین را عذاب فرست
- 2) به حسن خویش تو را چون نظر بود چه عجب / گرت به جانب خواجو نظر نمی داری
- 3) دراز قصه نگویم حدیث جمله کنم / هر آنچه گفت نکرد و هر آنچه کشت نخورد
- 4) رقیب اگر به جفا باز دارم ز درش / مگس گزیر نباشد زمانی از شکرش





قلب: یک هجای بلند و یک هجای کوتاه در کنار هم، جا به جا می شوند. (در مفاعله و مفاعله)

— U — U ← — U U —

— U U — ← — U — U

کیسه هنوز خربه است، با تو از آن قوی دلم چاره چه خاقانی اگر کیسه رسد به لاغری

کیست که پیغام من به شهر شروان برد یک سفن از من بدان مرد سفن دان برد

نکته: قلب فقط در اشعاری که وزن آن ها «مفاعله» یا «مفاعله» هست رخ می دهد.

به که ز بهر سخن برنگشاید زبان گر نتواند که مرد سخن به پایان برد

پیر خرد پیش تو چو طفل زانو زده گاه غضب با پلنگ پنجه به نیرو زده

از سرو گویم یا چمن، از لاله گویم یا سمن؟ از شمع گویم یا لکن، یا رقص گل پیش صبا؟

* کدام بیت دارای اختیار وزنی قلب است؟ (قلمچی 98)

- (1) سرد است زهر عقرب و از بخت من مرا تب های گرم زاد ز زهر جفای ری
- (2) گوید این خاقانی دریا مثابت خود منم خوانمش خاقانی اما از میان افتاده قا
- (3) بر دل خاقانی اگر داغ جفا نهی چه شد؟ او ز سگان کیست خود تا بردت به داوری؟
- (4) لیک ز بیم رقیب وز پی نفی گمان راه برون بسته ام آه درون سوز را





تست

*** کدام بیت فاقد اختیار شاعری وزنی است؟ (کانون 1400)**

- 1) تتم ز حرص یکی نان چو آینه روشن / چو شانه شد همه دندان ز فرق تا ساق
- 2) تا که ز مختصر نظری جسم و جان تهی / این از فروغ آتش و آن از نمای خاک
- 3) در فلک صوت جرس زنگل نباشان است / که خروشدنش از دخمه دارا شنوند
- 4) کورچه را جای شود دست جم / سوی مگس وحی کند غیب دان

*** در همه ابیات هر دو اختیار زبانی و وزنی وجود دارد بجز: (سراسری 1400)**

- 1) گره به باد مزین گرچه بر مراد رود که این سخن به مثل باد با سلیمان گفت
- 2) حافظ از آب حیات ازلی می خواهی منبش خاک در خلوت درویشان است
- 3) مستم کن آن چنان که ندانم ز بی خودی در عرصه خیال که آمد کدام رفت
- 4) زنهار از آن عبارت شیرین دل فریب گویی که پسته تو سخن در شکر گرفت

*** در بیت زیر همه اختیارات شاعری یافت می شود بجز: (خارج 1400)**

« چون گل و می دمی از پرده برون آی و در آ که دگر باره ملاقات نه پیدا باشد »

- 1) قلب 2) ابدال 3) تغییر کمیت مصوت ها 4) آوردن فاعلاتن به جای فعلاتن

*** در بیت زیر همه اختیارات شاعری یافت می شود به جز: (سراسری 99)**

قوت بازوی پرهیز به خوبان مفروش که در این خیل حصاری به سواری گیرند

- 1) بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه، قلب
- 2) کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند، ابدال
- 3) آوردن فاعلاتن بجای فعلاتن، حذف همزه





(4) بلند بودن هجای پایان مصراع، بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه

*** در کدام بیت « بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه، کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند و ابدال » همگی یافت می شود؟ (خارج 1400)**

- (1) قوت بازوی پرهیز به خوبان مفروش که در این خیل حصاری به سواری گیرند
- (2) رقص بر شعر نر و ناله نی خوش باشد خاصه رقصی که در آن دست نگاری گیرند
- (3) حافظ ابنای زمان را غم مسکینان نیست زین میان گر بتوان به که کناری گیرند
- (4) خوش گرفتند حریفان سر زلف ساقی گر فلکشان بگذارد که قراری گیرند

*** در همه ابیات دو اختیار وزنی « فاعلاتن بجای فعلاتن و ابدال » وجود دارد؛ به جز: (فا 99)**

- (1) آب رخ پیش ما کسی دارد که بود خاک آستان شما
- (2) اگر آن ابرو است و پیشانی نکشد هیچ کس کمان شما
- (3) می کند مرغ جان ما پرواز دم به دم سوی آشیان شما
- (4) چه بود گر به ما رساند باد بویی از طرف بوستان شما

*** با توجه به عروض و قافیه کدام گزینه درباره رباعی زیر « غلط » ذکر شده است؟ (سراسری 1400)**

« بازار قبول گل چو شد خوش خوش تیز گفتم که به باغ در شوای دلبر تیز
گل گفت که آب قدمش خیره مریز ما دست گلابگر گرفتیم و گریز »

- (1) ابیات را می توان به دو صورت دسته بندی هجایی کرد
- (2) در بیت اول از اختیار شاعری ابدال استفاده شده است
- (3) در بیت دوم شاعر دوبار مصوت کوتاه را بلند تلفظ کرده است





4) قافیه رباعی بر اساس قاعده 2 آمده است و حرف روی «ز» است

*** با توجه به بیت زیر از دیدگاه «عروض و قافیه» کدام مورد «نادرست» است؟ (خارج 1400)**

« ای ظلمت شب پرده خورشید جمالت وی کو کبه صبح جلودار جلالت »

1) وزن بیت « مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن » است

2) در بیت اختیار شاعری « تغییر کمیت مصوت » وجود دارد

3) جمالت و جلالت واژه های قافیه و «ت» حرف روی است

4) قافیه بیت بر اساس قاعده 2 و تبصره 1 آمده است

*** در کدام بیت اختیار وزنی قلب بکار رفته است؟ (فاج 99)**

1) ماهی و چون عیان شوی شمع هزار مجلسی سروی و چون روان شوی عشق هزار لشگری

2) از سر رشک سوختم زان همه سوزم از درون با همه آب ساختی زان همه آبی از تری

3) سینه خاقانی اگر پاک بشویی از غبار پیش خدایگان تو را بیش کند نثارگری

4) هم شکری تو هم نمک با تو چه نسبت آب را چند به رغم دوستان دشمن خویش پروری

*** در بیت زیر همه اختیارات شاعری یافت می شود بجز: (سراسری 98)**

گذار بر ظلمات است خضر راهی کو مباد کاتش محرومی آب ما ببرد

1) ابدال 2) کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند 3) حذف همزه 4) بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه

*** بیت زیر فاقد کدام اختیار شاعری است؟ (فاج 98)**

طهارت ار نه به خون جگر کند عاشق به قول مفتی عشقش درست نیست نماز

1) بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه، قلب 2) بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه، ابدال





(3) حذف همزه، بلند بودن هجای پایان مصراع

(4) حذف همزه، کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند

***در کدام بیت هیچ اختیار شاعری ای بکار نرفته است؟ (سراسری 97)**

- (1) جز از لب لعل جام نتوشم غیر سر زلف او نگیرم
- (2) چو سحرگاه ز گلشن مه عیار بر آمد چه بسی نعره مستان که ز گلزار بر آمد
- (3) هله نومید نباشی که تو را یار براند گرت امروز براند نه که فردا بخواند
- (4) تو بسی سمن بران را به کنار برگرفتی نفسی کنار بگشا بنگر کنار دیگر

***در بیت زیر شاعر از کدام اختیار شاعری بهره برده است؟ (سراسری 97)**

گویی بطّ سفید جامه به صابون زده است کبک دری ساق پای در قدح خون زده است

- (1) بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه، قلب
- (2) بلند بودن هجای پایان مصراع، ثلب
- (3) بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه، ابدال
- (4) کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند، حذف همزه

***اختیارات شاعری موجود در بیت زیر کدام است؟ (فاه 97)**

خرد به زور می ناب بر نمی آید مرو به کشتی کاغذ دلیر بر سر آب

- (1) قلب، حذف همزه
- (2) تغییر کمیت مصوت ها، ابدال
- (3) تغییر کمیت مصوت ها، قلب
- (4) بلند بودن هجای پایان مصراع، حذف همزه

***در کدام بیت ، اختیار وزنی «ابدال» صورت گرفته است؟ (سراسری 95)**

- (1) برد او دل عاشقان آفاق پیچید بر آن دو زلف چون شست
- (2) اندر عجبم که چشم آن ماه ناخورده شراب چون شود مست
- (3) زان چشم پر از خمار سرمست پر خون دارم دو دیده پیوست





4) تا عزم جفا درست کرد او دست همه عاشقانش بشکست

*در هر یک از ابیات کدام گزینه، سه نوع اختیار وزنی وجود دارد؟ (فا) (96)

- | | |
|--------------------------------------|-----------------------------------|
| الف) بد بیضای کلیم است تو را کز اثرش | ب) تن خصم تو هر موی یکی از درهاست |
| ب) مرا تو جان عزیزی و جان دوست عزیز | هزار جان عزیزم فدای جان تو باد |
| پ) تب هر روزه و سرمای زمستان نگذاشت | هر چه آورد به رویم تب و سرما آورد |
| ت) سر من رفت و نرفتم ز سر پیمانت | لله الحمد که ما بر سر پیمان رفتیم |
- (1) ب - ت (2) ب - پ (3) الف - پ (4) الف - ب

*در کدام گزینه ، اختیارات وزنی بکار نرفته است؟ (کانون 96)

- 1) آن چنان داده عشق جوش مرا که ز سر رفته عقل و هوش مرا
- 2) در خروشم ز شور چون دریا نتوان ساختن خموش مرا
- 3) اگر تو مرد رهی در طریق عشق رضی رهی ز میکرده نزدیک تر مدان به خدا
- 4) بهار عشق دل از دیده مبتلا گردید هر آن وفا که تو بینی بلاست بر سر ما

*در مصراع اول کدام بیت ، سه اختیار شاعری وزنی روی داده است؟ (کانون 98)

- 1) گردون به درد و رنج مرا کشته بود اگر پیوند عمر من نشدی نظم جان فزایی
- 2) چند کوشی که به فرمان تو باشد ایام؟ نه تو باشی و نه ایام ، چه خواهد بودن؟
- 3) گفתי که آتشم بنشانی ، ولی چه سود؟ برخاستی که بر سر آتش نشانی ام
- 4) تو درخت خوب منظر همه میوه ای ولیکن چه کنم به دست کوتاه که نمی رسد به سیب؟

